

اگر
غیر

ایمان

N

W

E

S

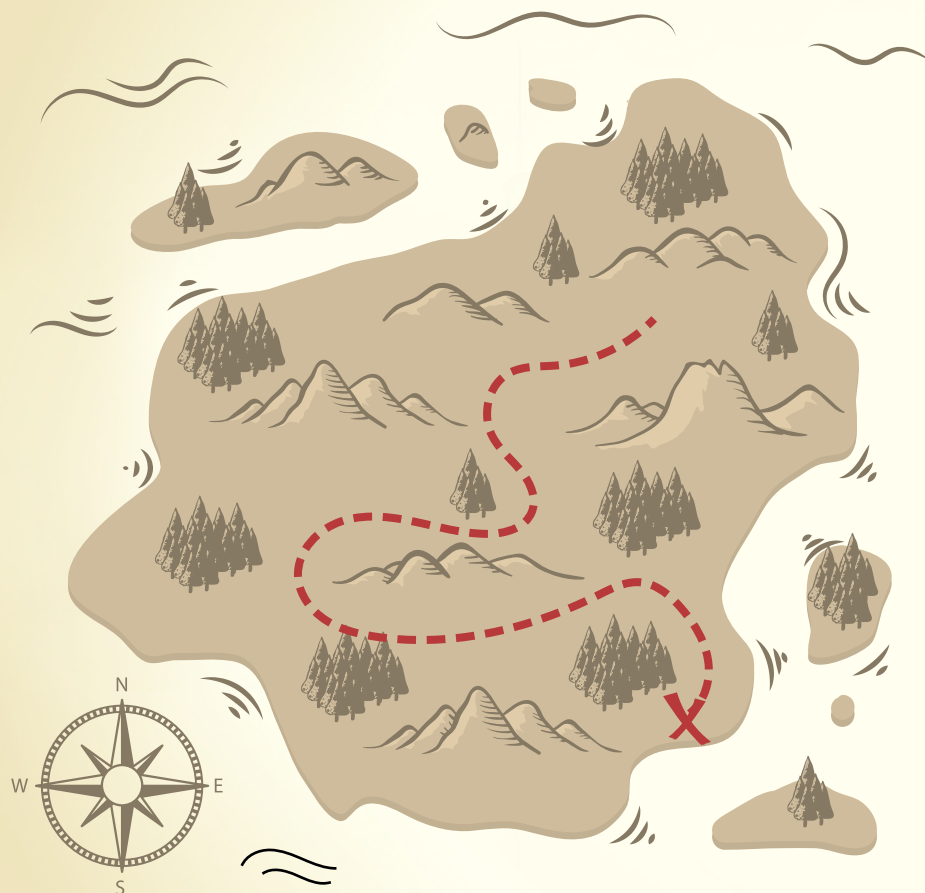
درس سوم

گروه سنی: ۸-۱۲ سال

کاربرد و هدف: من به عنوان سفیر آگاهی، باید در هر جا، در هر لحظه و در هر مکان محبت آسمانی داشته باشم و این محبت، محبتی بدون حسادت است!

منبع: لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲ (داستان پسر گمشده و برادرش)

زمان: یک ساعت (از قبل با همکاران تان تمرین کنید و مطمئن شوید که جلسه بیشتر از یک ساعت طول نمی کشد)



توضیحاتی برای شروع:

یادآوری کنید که ما به عنوان سفیران سرزمین آگاپه به مأموریت‌های مختلف فرستاده می‌شویم تا قانون سرزمین آگاپه را در همه‌جا به اجرا درآوریم. قانون سرزمین آگاپه محبت است. پادشاه سرزمین آگاپه ابتدا ما را محبت کرد، ما امروز فرزندان او و شاهزادگان هستیم. و به ما نیز تنها یک حکم داد، حکم محبت.

این محبت به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. در دو مأموریت قبلی با دو شکل از محبت آشنا شدیم. از بچه‌ها بپرسید که آیا به یاد دارند که در مأموریت‌های قبلی با چه محبتی توانستند مأموریت خود را انجام دهند؟

♦ محبت صبور

♦ محبت مهربان و دلسوز

از بچه‌ها بخواهید هر کدام در یک جمله بگویند که در نتیجه تحقیقات هفته گذشته‌شان چطور دیوید لوینگستون هم سفیر آگاپه بود و محبتی مهربان داشت؟

پس از شنیدن نظرات بچه‌ها، برای مأموریت این هفته آماده می‌شویم.

اینجا فرصتی مناسب است تا افرادی را که برای اولین بار به جمع شما پیوسته‌اند و یا در هفته‌های قبلی تمایلی به شرکت در مأموریت‌ها نداشتند را دعوت به همراهی کنید. اگر کسانی هستند که از این هفته تصمیم گرفتند تا با شما همراه شوند و نقشه این هفته را ندارند، آنها را تشویق کنید که در طول مسیر با شما همراه شوند تا از هفته آینده نقشه‌ها را به دست‌شان برسانید.

توضیح مأموریت هفته

از بچه‌ها بخواهید که پاکت‌های خود را باز کنند. از آنها بپرسید که نقشه این هفته متعلق به کجاست؟

پاسخ: شهر نیویورک در قاره آمریکا

نیویورک پرجمعیت‌ترین شهر در آمریکاست. این شهر یکی از قطب‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دنیاست. در این شهر شما می‌توانید هر حرفه‌ای را که دوست دارید پیدا کنید و با هر استعداد و علاقه‌ای که دارید می‌توانید به موفقیت برسید.

شروع مأموریت

به بچه‌ها توضیح دهید که در طی این مأموریت قرار است به سه روستا در آفریقا سر بزنیم و با هم بیشتر در مورد آفریقا و مردم این سرزمین یاد بگیریم.

مقدمه

از بچه‌ها بخواهید نام چند شغل و حرفه را که فکر می‌کنند می‌توانند در نیویورک پیدا کنند نام ببرند.

مشاغل می‌توانند به قرار زیر باشند:

پزشکی، پرستاری، مهندسی، پلیس، خلبان، مهماندار، ورزشکار، حسابدار، سهامدار، نقاش، بازیگر، کارگردان، اخبارگو، معلم، فضانورد، باستان‌شناس، وکیل، دامپزشک، مدل، طراح لباس، گیاه‌شناس....

شما می‌توانید بهترین آشپز باشید، یا بهترین پزشک. حرفه‌ای که شما انتخاب می‌کنید باید بر اساس استعداد و علاقه شخصی خود شما باشد.

از بچه‌ها بخواهید چند دقیقه فکر کنند و سه راهکار را برای موفقیت در شغلی که می‌خواهند در آینده داشته باشند با بقیه کلاس در میان بگذارند.

بچه‌ها را به‌خاطر پاسخ‌های‌شان تشویق کنید. به آنها توضیح دهید که ما می‌توانیم خیلی راهکارهای عالی داشته باشیم که به ما کمک می‌کنند تا به هدف‌مان برسیم. اما چیزهایی هم می‌توان یافت که مانع از رسیدن ما به هدف‌مان می‌شوند.

کسانی که در نیویورک سال‌ها تلاش کردند تا به موفقیت برسند امروز برای ما یک کلمه رمز در ساختمان‌های نیویورک به جا گذاشته‌اند. این کلمه رمز یکی از آن موانعی است ممکن است سر راه موفقیت ما قرار گیرد. مهم‌تر از همه این کلمه در محبت وجود ندارد. با این توضیحات آیا آماده‌اید تا به سومین مأموریت خود به‌عنوان سفیران آگایه برویم؟

شروع مأموریت

توضیح دهید هر یک از ساختمان‌هایی که بر روی نقشه می‌بینیم به یکی از مشاغل مربوط می‌شوند. بچه‌ها بدون آنکه شغل مورد نظر و اسم ساختمان را بدانند باید شماره یکی از ساختمان‌ها را انتخاب کنند. بر حسب انتخاب‌شان باید اول حدس بزنند که شغل مربوط به آن ساختمان چیست. پس از آن، معلم اسم ساختمان را به نونهال می‌گوید و سه سؤال مربوط به آن شغل و ساختمان را می‌پرسد. نونهال فرصت دارد که یکی از سؤالات را انتخاب کند و جواب سؤال را بدهد.

(در صورتی که تعداد بچه‌های گروه‌تان کم هستند، می‌توانید این بازی را چند بار انجام دهید. همچنین شما را تشویق می‌کنیم که خودتان و همکاران‌تان هم در این مسابقه شرکت کنید. البته اگر تعداد بچه‌ها زیاد است بگذارید خود بچه‌ها فقط در این مسابقه شرکت کنند. تعداد ساختمان‌ها ۱۸ می‌باشد. در صورتی که تعداد بچه‌ها بیشتر از تعداد ساختمان‌هاست، می‌توانید بچه‌ها را گروه‌بندی کنید. دقت کنید که برخی از سؤالات دشوار هستند، اما در نهایت به نونهال کمک می‌کند تا اطلاعات عمومی‌اش را تقویت کند.)

به نونهال بگویید که حتی اگر جواب دقیق را نمی‌داند اجازه دارد تا حدس بزند. سعی کنید این بازی را سریع انجام دهید تا هیجان بیشتر شود. شما را تشویق می‌کنیم که زمان بگیرید تا بر اساس زمان تعیین شده به همه ساختمان‌ها سر بزنید. کلمه رمز در دل اسامی هر ساختمان و حرفه مربوط به آن نهفته است، پس باید بچه‌ها اسامی ساختمان‌ها را به یاد بسپارند.

۱- مجسمه آزادی (Statue of Liberty)

حرفه: معماری و مجسمه‌سازی

با چه چیزهایی می‌توان مجسمه ساخت؟ (چوب، سنگ، گچ...) مجسمه‌های گلی را برای خشک شدن در کجا قرار می‌دهند؟ (کوره آتش) مجسمه آزادی هدیه کدام کشور به آمریکاست؟ (فرانسه)

۲- ساختمان بورس نیویورک (The New York Stock Exchange)

حرفه: سهام‌دار، حسابدار، اقتصاددان

پول رایج کشور آمریکا را نام ببرید؟ (دلار)

ارزش طلا بالاتر است یا نقره؟ (طلا)

نام ۳ بانک معروف در کشور محل زندگی خود را بگویید. (به دلخواه)

۳- تئاتر برادوی (Broadway Theatre)

حرفه: بازیگر، کارگردان، طراح صحنه، نویسنده، فیلمبردار

فرق بین فیلم و تئاتر چیست؟

اولین تئاتر در کدام کشور اجرا شد؟ (یونان)

اولین فیلم در کجا ساخته شد؟ (فرانسه)

۴- موزه هنر و طراحی (Museum of Arts and Design)

حرفه: نقاشی، گرافیک...

سه ابزار مورد استفاده در نقاشی را نام ببرید. (رنگ، قلم، بوم)

سه رنگ اصلی را نام ببرید. (قرمز، آبی، زرد)

یک نقاش معروف را نام ببرید. (لئوناردو داوینچی)

۵- مدرسه بین‌المللی آشپزی (International Culinary Center)

حرفه: آشپزی

پاستا و اسپاگتی متعلق به کدام کشور است؟ (ایتالیا)

سه ادویه مهم در آشپزی را نام ببرید. (نمک، فلفل، زردچوبه)

بزرگترین و مشهورترین آشپز دنیا مرد است یا زن؟ (مرد: گوردون جیمز رمزی)

۶- باغ وحش پارک مرکزی (Centra Park Zoo)

حرفه: حامی حیوانات، دامپزشک

دو حیوان اهلی را نام ببرید. (سگ و گربه)

سه پرنده‌ای که پرواز نمی‌کنند. (مرغ، بوقلمون، شترمرغ)

بزرگترین حیوان دنیا چیست؟ (نهنگ)

۷- ساختمان امپایراستیت (Empire State Building)

حرفه: معماری، نقشه‌کشی، بنایی

برای ساختن یک خانه از چه مصالحی استفاده می‌شود؟ (آجر، سیمان، گچ)

در مناطق بارانی سقف خانه‌ها به چه شکل است؟ (شیروانی)

به یک ساختمان که ۳۰ طبقه دارد چه می‌گویند؟ (آسمان خراش یا برج)

۸- کلیسای جامع سن پاتریک (St, Patrick Cathedral)

حرفه: الاهی‌دان، کشیش، خادم کلیسا

ابراهیم چند سال صبر کرد تا وعده خدا به انجام رسید؟ (۲۵ سال)

نام درختی که آدم و حوا از میوه آن خوردند چه بود؟ (شناخت نیک و بد)

مجوسیان از کجا به دیدن عیسی‌ای نوزاد رفتند؟ (همدان/ایران)

۹- ورزشگاه یانکی (Yankee Stadium)

حرفه: ورزشکار، مربی

سه ورزش تیمی که در آن از توپ استفاده می‌شود را نام ببرید. (بسکتبال،

والیبال، فوتبال)

معروف‌ترین ورزش آمریکایی چیست؟ (فوتبال آمریکایی)

تعداد بازیکنان یک تیم فوتبال چند نفر است؟ (۱۱ نفر)

۱۰- کالج پزشکی آلبرت انیشتین (Albert Einstein College of Medicine)

حرفه: دکتر، پرستار، داروساز

مرکز فرماندهی بدن انسان کجاست؟ (مغز)

مرکز خون‌رسانی بدن کجاست؟ (قلب)

سه نوع حس چشایی را نام ببرید. (تلخی، شیرینی، ترشی)

۱۱- باغ گیاه‌شناسی (Botanical Garden)

حرفه: باغبان، گیاه‌شناس

تمرهنده‌ی دارای درخت است یا بوته؟ (بوته)

سه ابزار کاربردی در کشاورزی را نام ببرید. (تراکتور، داس، بیل)

سه مرحله رشد از یک محصول را بگویید. (کاشت، داشت، برداشت)

۱۲- فرودگاه جان. اف. کندی (John. F. Kennedy International Airport)

حرفه: خلبان، مهماندار، مراقبت پرواز، مکانیک

کار مهماندار چیست؟ (خدمت‌رسانی به مسافران در طول پرواز)

در کابین خلبانی چند نفر کار می‌کنند؟ (دو نفر: خلبان و کمک خلبان)

سه شرکت هواپیمایی را نام ببرید. (به دلخواه)

۱۳- تالار موسیقی رادیو سیتی (Radio City Music Hall)

حرفه: رهبر موسیقی، نوازنده، خواننده

سه ساز را نام ببرید. (دلخواه)

ریشه واژه موسیقی از چه زبانی است؟ (یونانی)

یکی از سبک‌های موسیقی را نام ببرید؟ (پاپ، کلاسیک...)

۱۴- سازمان ملل متحد (United Nation)

حرفه: وکیل، سیاستمدار، حقوق‌دان، مترجم

مهم‌ترین مسئولیت سازمان ملل متحد چیست؟ (برقراری صلح بین کشورها)

یونیسف چه سازمانی است؟ (یونیسف زیر مجموعه سازمان ملل است که برای

حمایت از کودکان در سرتاسر دنیا فعالیت می‌کند)

با هم به پارک مرکزی برویم، خوراکی بخوریم و داستانی را بشنویم. در داستان نیز به شما در مورد کلمه رمز راهنمایی می‌شود.

(در صورتی که جلسات حضوری برگزار می‌شود چند دقیقه می‌توانید خوراکی‌ها را بین بچه‌ها تقسیم کنید. برای جلسات اینترنتی ۳ دقیقه وقت دهید تا بچه‌ها از جای‌شان بلند شوند تا برای خود خوراکی‌ای بیاورند. این جابجایی به بچه‌ها کمک می‌کند تا با تازگی به سر کلاس برگردند و آماده شنیدن شوند.)

تعلیم کتاب مقدس

در حالی که بچه‌ها خوراکی‌شان را می‌خورند داستان پسر گمشده را تعریف کنید. شاید بچه‌ها بارها این داستان را شنیده‌اند اما این بار داستان را به شکلی برای بچه‌ها تعریف کنید که در همان فضای شهر نیویورک باقی بمانند.

(دقت داشته باشید منبع داستان زیر لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲ است، اما سعی شده است با یک سری تغییرات، داستان را امروزی کرده و بسط دهیم تا برای نونهالان بر اساس تعلیم این درس قابل درک و ملموس باشد)

- ♦ پدری دو پسر داشت. آنها خارج از شهر زندگی می‌کردند. پدر یک مزرعه بزرگ داشت و پسرهای او در مزرعه از گاو و گوسفندها نگهداری می‌کردند و در تابستان محصولات زمین را برداشت می‌کردند. یک روز پسر کوچکتر با دوستانش که در شهر زندگی می‌کردند به پیکنیک رفت. آنها مدام از ساختمان‌های شهر، پارک‌ها و تفریحات شهر با هم صحبت می‌کردند. پسر کوچک در دل خود آهی کشید و فکر کرد که چرا او در شهر زندگی نمی‌کند؟
- ♦ پسر بعد از خداحافظی با دوستانش پیش پدرش رفت و به او گفت که تصمیم گرفته است برای همیشه به شهر برود. او از پدر خواست ارث او را بدهد.

چند کشور در جهان وجود دارد؟ (۱۹۵)

۱۵- خانه ادگار آلن پو (Edgar Allen Poe Cottage)

حرفه: نویسندگی، ادبیات

یک شاعر معروف را نام ببرید.

کتاب‌های نازنیا را چه کسی نوشته است؟

کتاب‌های نازنیا چند جلد است؟

۱۶- مدرسه طراحی و مد پارسنز (Parsons School of Design)

حرفه: مدل، خیاط، طراح لباس

سه وسیله‌ای که در خیاطی تیز و برنده هستند را نام ببرید. (سوزن، بشکاف، قیچی)

از چه وسایلی می‌توان لباس درست کرد؟ (پارچه، کاموا، گونی)

آن چیست که هم وسیله حیاتی است و هم زینتی؟ (ساعت)

۱۷- پل بروکلین (Brookline Bridge)

حرفه: معماری

سه نوع پل را نام ببرید. (پل چوبی، پل سنگی، پل فلزی)

سه منطقه که پل گذشته می‌شود را نام ببرید. (بالای اتوبان، روی رودخانه، بین دو تا کوه)

سه پل معروف دنیا را نام ببرید. (سی و سه پل در اصفهان، پل گلدن گیت در سن فرانسیسکو، پل تاوربریج در لندن)

۱۸- موزه علوم و تکنولوژی (New York Hall of Science)

اسحاق نیوتن چه چیزی را کشف کرد؟ (جاذبه زمین)

بلندترین نقطه روی زمین کجاست؟ (قله اورست)

چند دقیقه طول می‌کشد تا نور خورشید به زمین برسد؟ (۸ دقیقه)

زمان پیدا کردن کلمه رمز است. اما قبل از پیدا کردن کلمه رمز، قرار است تا

کلمه رمز

کلمه رمز ما یک لغت انگلیسی است که شامل چهار حرف است. این واژه بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به موفقیت است.

حرف اول: اولین حرف از اسم نویسنده‌ای که در خانه شماره ۱۵ زندگی می‌کرد. (Edgar Allen Poe)

حرف دوم: اولین حرف از لغتی که در انگلیسی به معنی ملل است و در ساختمان شماره ۱۴ است. (Nation)

حرف سوم: در الفبای انگلیسی ۲۶ حرف داریم، این حرف پنجمین حرف از آخر است و اولین حرف از یک وسیله است که به فیلم ربط دارد. (Video)
حرف چهارم: اولین حرف از استودیوم ورزشی معروف نیویورک است: (Yankee)

E - N - V - Y

لغت Envy در انگلیسی به معنی حسادت است. یعنی کسی که از شرایطش ناراضی هست، مدام به داشته‌ها و موفقیت‌های دیگران فکر می‌کند و می‌خواهد آنچه دیگران دارند را داشته باشد.

از بچه‌ها بپرسید که فکر می‌کنند در کاغذی که پدر به پسر بزرگش داد چه نوشته شده است؟

♦ فردای آن روز پسر از پدر و برادر بزرگترش خداحافظی کرد و به شهر رفت. او می‌خواست مثل دوستانش موفق شود. شغل خوبی داشته باشد، شب‌ها با دوستانش به تفریح برود و صاحب ثروت و مقام شود.

♦ ماه‌ها گذشت. پسر در ماه اول تصمیم گرفت مثل یکی از دوستانش به کالج پزشکی آلبرت انیشتین برود. اما هنوز چند هفته نگذشته بود که مدرسه را رها کرد، او فهمید پزشک شدن کار هر کسی نیست. پس تصمیم گرفت مثل دوست دومش وارد بازار بورس شود. او هر چه پول به ارث برده بود را در بازار سهام خرج کرد. اما چون راه و چاه خرید و فروش را نمی‌دانست خیلی زود همه پولش را از دست داد.

♦ پسر خیلی ناامید و پشیمان شده بود. یک شب در حالی که جایی برای خوابیدن نداشت به پارک مرکزی رفت و روی نیمکتی نشست. او با خود فکر کرد که شاید بهتر باشد پیش پدر و برادرش برگردد، از آنها معذرت‌خواهی کند و در همان مزرعه خودشان کار کند.

♦ پسر شبانه به روستای خودشان بازگشت. هنوز خورشید از پشت کوه‌ها بیرون نیامده بود که پدر از پشت پنجره پسرش را دید. او با همان لباس خواب به استقبال پسرش رفت.

♦ برادر بزرگتر که صبح خیلی زود برای رسیدگی به گاوها از خانه بیرون رفته بود از همه جا بی‌خبر به خانه برگشت و دید که پدر برای پسر کوچکش که ماه‌ها از خانه دور بود جشنی گرفته است. او خیلی ناراحت شد و به گوشه‌ای رفت.

♦ پدر که دید پسر بزرگش ناراحت گوشه‌ای نشسته است پیشش رفت و به او کاغذی داد. آن کاغذ باارزش‌ترین هدیه‌ای بود که او از پدر خود دریافت کرده بود و امروز آن هدیه را به فرزند بزرگ خودش می‌داد.

فکر می‌کنید در کاغذی که پدر به پسر بزرگش داد چه چیزی نوشته شده است؟ آیا فکر می‌کنید نامه ربطی به رمزی که قرار است ما از ساختمان‌های نیویورک پیدا کنیم دارد؟

در داستانی که شنیدیم هر دو پسر گویا هر دو هنوز محبت واقعی را درک نکرده بودند:

- ♦ پسر کوچک به دوستانش، به داشته‌ها و موفقیت‌های دوستانش حسادت می‌کرد. او با آنچه که خود داشت خوشحال و شکرگزار نبود. او می‌خواست مثل دوستانش شود. در حالی که فراموش کرده بود که هر کدام از ما را خدا منحصر به فرد آفریده است. خدا به هر یک از ما یک سری توانایی‌ها و استعدادها داده است. پسر کوچک با این تجربه بالاخره معنای محبت واقعی را آموخت. زمانی که پسر به مزرعه بازگشت، تصمیم گرفت قبل از هر چیز از پدر مشورت بگیرد و ببیند که در چه چیزی بیشتر استعداد دارد. او سال‌ها بعد از این ماجرا گیاه‌شناس معروفی شد و توانست در صنعت کشاورزی خدمات بزرگی به جامعه ارائه دهد.
- ♦ پسر بزرگ هم به دلیل نداشتن محبت واقعی به برادر کوچک خود حسادت می‌کرد. او فکر می‌کرد که پدر، برادرش را بیشتر از او دوست دارد. اما پدر با نامه‌ای که به پسرش داد به او فهماند که محبت پدر برای فرزندانش به یک اندازه است و هیچ وقت پایانی ندارد. حتی اگر فرزندان او اشتباه کنند، آغوش پدر به روی آنها باز است. محبت پدر به‌خاطر موفقیت و شکست فرزندانش بیشتر و یا کمتر نمی‌شود، پدر فرزندانش را عاشقانه دوست دارد و آنها را محبت می‌کند، محبتی از جنس محبت آگاپه. بعد از این ماجرا، برادر بزرگتر به برادر کوچک خود کمک کرد تا ادامه تحصیل دهد. برادر کوچک نیز توانست با علمی که به دست آورده بود به برادر بزرگ خود کمک کند تا مزرعه و گاوداری خانوادگی‌شان را رونق و وسعت بخشند.

کاربرد

از بچه‌ها بخواهید ۱ دقیقه در سکوت در مورد آینده خود فکر کنند. در این یک دقیقه باید بچه‌ها فکر کنند که دوست دارند چه شغلی داشته باشند و خود را در کدام یک از این ساختمان‌ها می‌بینند.

فرزندم

من برای تو تنها یک چیز به ارث می‌گذارم.
رث من به تو این نامه است. اگر آنچه در
این نامه است را در زندگی انجام دهی، به
هر چیز دست بزنی موفق می‌شوی چون:

محبت رمز موفقیت است.

محبتی که مهربان و دلسوز است.

محبتی که با شادی دیگران شادی می‌کند و

با غم دیگران غمگین می‌شود.

محبتی که حسد نمی‌ورزد و برای آنچه که

خود دارد شکرگزار و شاد است.

محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. محبت گنج

زندگی است و بهترین ارثی است که تو نیز

می‌توانی به فرزندانت بدهی.

پروژه:

زمان آن رسیده تا با تاکسی به فرودگاه برویم و سوار هواپیمایی شویم که قرار ما را به مأموریت بعدی ببرد. در این فاصله یکی از معلمین در نقش مهماندار پروژه این هفته را اعلان می‌کند.

سفیران آگاپه، به بوئینگ ۷۴۷ خوش آمدید. کمربندهای خود را محکم بسته و نکات ایمنی را که در دفترچه راهنمای پرواز مشاهده می‌کنید با دقت رعایت کنید. زمان پرواز ما یک هفته می‌باشد. در طی این هفته شما می‌توانید با استفاده از اینترنتی که در اختیار شما گذاشته می‌شود، در رابطه با ساختمانی که در زمان تعمق انتخاب کرده بودید تحقیق کنید. همچنین در طی پرواز یکی از مهمانداران مأموریت ویژه مقصد را به دست شما می‌رساند. پرواز آسوده‌ای را برای شما آرزو می‌کنیم.



این زمان تعمق به بچه‌ها فرصت می‌دهد تا در حضور خدا از او هدایت شوند. بچه‌ها یاد می‌گیرند تا در سکوت از خدا بشنوند و بر اساس هدایت او تصمیم بگیرند. این تعمق خود نوعی دعا کردن است. در همان حال از بچه‌ها بپرسید که آیا در خودشان شباهتی به یکی از این دو برادر می‌بینند. اگر آنها هم در دل خود احساس حسادت می‌کنند، از شرایط خود خوشحال نیستن و می‌خوان مثل دیگران باشن الان زمانی هست که در سکوت از خدا بخواهند در قلب آنها محبتی تازه بگذارد، محبت شکرگزار، شاد و بدون حسادت.

در ادامه به بچه‌ها توضیح دهید که در شهر نیویورک هر ساختمانی با شکلی متفاوت نمایانگر یک حرفه و جایگاه در جامعه است، و همین تفاوت‌هاست که شهر نیویورک را زیبا و موفق کرده است.

در این دنیا برای هر کدام از ما جایگاه خاص و ویژه‌ای وجود دارد. شاید یکی از شما روزی وکیل شود و دیگری نقاش، یکی پلیس شود و دیگری محقق. اما آنچه که مهم است این است که در هر جا و مقامی که هستید به یاد داشته باشیم که ما شاهزادگان سرزمین آگاپه هستیم، فرزندان خدای آسمان‌ها. او ما را عاشقانه دوست دارد و محبت می‌کند و می‌خواهد تا ما نیز محبت کنیم. و به یاد داشته باشیم که هر یک از ما باید هم گیاه‌شناس باشیم و هم سفیر محبت. هم دامپزشک باشیم و هم سفیر محبت. هم وکیل باشیم و هم سفیر محبت. هم کارگردان سینما باشیم و هم سفیر محبت. هم راننده تاکسی باشیم و هم سفیر محبت.... محبتی که شاد و شکرگزار است، محبتی که مهربان و دلسوز است، محبتی که حسد نمی‌برد، و در هر حال برادر و خواهر خود را حمایت می‌کند.